

دکتر احمد بهشتی

سرازیام دنیای خواب زده ؛ چشم از خواب غفلت گشود و بزرگترین لکه ننگ را از دامن خود پاک کرد .

اسلام و حقوق کودک  
(۲۲)

قرنها بود که زنجیر بولادین بردگی بردست و پای بسیاری از افراد بشر؛ سنگینی میکرد. گروهی سودجو و قدرت طلب هموعان خود را به استثمار کشانیده؛ آنها را همچون چارپایان در بازارها برای فروش عرضه میکردند .

چه بسیار بودند انسانهایی که هنوز سالها و بلکه قرنها مانده بود تا از صلب پدری به رحم مادری منتقل و پس از طی دوران جنینی از مادر متولد شوند؛ ولی بی آنکه خود خبر داشته باشند یا بخواهند طرح زندگی بریشان آنها در چارچوب نظام بردگی ریخته شده بود و آنها ناگزیر بودند که بر این سر-نوشت شوم ، صحه بگذارند .

کشتیها سینه دریاها را می شکافتند و ادایسن ساحل به آن ساحل می رفتند و در کنار اسکله یا بندری لنگر می انداختند تا جمعی از انسانهای فاقد تمدن و چشم و گوش بسته را با نقشه و نیرنگ و حتی سرقت و تجاوز به منطقه های دیگر ببرند و پولهای کلان را به جیب برده فروشان و کارگزاران برده فروش و دلالان سرازیر کنند .



کودکان

ابوعثمان دلال می گفت: «کیزی که اصلا بربری



می کرد؛ مع الوصف برای اینکه حقوق کودکان بطور کامل تأمین و تضمین گردد، یازده سال بعد؛ مجمع عمومی سازمان ملل، ضمن تصویب اعلامیه ده ماده ای حقوق کودک، مقرر داشت که کودکان تحت هیچ عنوان نباید مورد دادوستد قرار گیرند.

اعلامیه حقوق بشر و حقوق کودک، فریاد وجدان همه انسانهاست. جایی که ماده یکم اعلامیه حقوق بشر می گوید: «تمام افراد بشر آزاد بدنیامی آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق، باهم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید نسبت بسکدیگر با روح برادری رفتار کنند» معلوم میداد که بشریت از گذشته های ننگین خود نادم است و توبه نامه خود را بمنظور جبران گذشته ها انتشار میدهد.

تردیدی نیست که کشورهای امضاء کننده دو اعلامیه مذکور؛ در قبال آنچه انبیای الهی گفته اند؛ مطلب تازه ای نگفته اند. ماده اول و چهارم اعلامیه حقوق بشر و بخشی از ماده نهم اعلامیه حقوق کودک می تواند؛ توضیح يك جمله کوتاه نهج البلاغه باشد. علی (ع) بفرزند خود حضرت مجتبی فرمود:

«لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرَكَ فَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (۲)

بندۀ کسی نباش که خدا آزادت آفریده است.  
اما يك نكته تازگی دارد و آن اینکه تا روزی

باشد و در سن نه سالگی از سرزمین خود خارج شود و سه سال در مدینه و سه سال در مکه زندگی کند و در سن ۱۶ سالگی به عراق آید و با آداب و سنن عراقی پرورش یابد و در سن ۲۵ سالگی فروخته شود؛ دارای اصلی خوب و مزایای و دختران مدینه و دختران مکه و آداب دانی دختران عراق است» (۱)

آری دختری که از پدر و مادر، دور افتاده بود مثل گونئی او را دست به دست می گردانند تا وسیله خوبی برای فروش و کسب درآمد باشد! در دنیای قدیم کافی بود که شخص بر اثر شادت احتیاج؛ ناچار شود مبلغی از «سرمایه داری» وام بگیرد و در رأس مدت از برداخت وام عاجز بماند، تمام سنتهای مدون و غیر مدون حکم میکردند که بدهکار باید به بردگی طلبکار درآید.

جنگها خود عامل دیگری بودند برای به بردگی کشیدن. توسعه طلبی ها و رقابتها، همواره آتش نبرد را شعله ور میکردند. طبیعی است که هر نبردی غالب و مغلوب دارد. مغلوب باید برده غالب باشد یا به اراده او قالب تهی کند.

دهم دسامبر سال ۱۹۴۸ (۱۹ آذر ۱۳۳۷) بود که مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه حقوق بشر را تصویب کرد. طبق ماده چهارم مقرر شد که: «احدی را نمیتوان در بردگی نگاه داشت؛ و خرید و فروش بردگان بهر شکلی که باشد ممنوع است»؛ اگرچه این ماده، خرید و فروش بزرگسالان و کودکان و ممنوع اعلام

۱- الامام علی صوت العدالة الانسانیة جزء پنجم ص ۱۱۱۰

۲- نهج البلاغه دکتر صبحی صالح ص ۴۰۱

قرآن کریم صریحاً اعلام کرده که اگر کسی از عهده پرداخت بدهی خود برنیاید باید به او فرصت داد تا تمکن پیدا کند. (۱) این دستور قرآن ضربت کوبنده‌ای بود بر پیکر نظام پویشالی بردگی. در مورد اسیران جنگی صریحاً دستور داد:

«فَأَمَّا مَنَّا بَعْدُ وَأَمَّا فِدَاءً» (۲)

پس از آنکه افراد مخالف اسلام، در میدان جنگ اسیر شدند و بدست شما افتادند؛ می‌توانید با آنها از روی بزرگواری رفتار کرده؛ آنها را زهین منت خود سازید یا از آنها فدیہ بگیرید. (۳) پاره‌ای از خرده‌گیرها؛ اصل و مأخذ صحیحی ندارد. اسلام نه پدید آورنده نظام بردگی است و نه مشوق و توسعه دهنده آن. اسلام دردنیائی کار خود را آغاز کرده است که نظام بردگی از دیربار برسمیت شناخته شده بود. در چنین وضعی اسلام دوره داشت؛ یکی ملنی ساختن کامل آن، و دیگر مبارزه تدریجی.

اسلام راه دوم را برگزید:

سیزده قرن بعد، مبارزه تدریجی اسلام به ثمر رسید و جهان در برابر الغای رژیم بردگی تسلیم شد. اسلام آزاد کردن بردگان را بهترین عبادت و مؤثرترین وسیله نجات از کیفر گناهان شمرد. علی (ع)

که اعلامیه حقوق بشر صادر نشده بود؛ هنوز خیلی‌ها تصور می‌کردند که نظام بردگی يك نظام طبیعی است و باید باشد. شاید خیلی‌ها با پیامبران خدا میانه خوبی نداشتند به این دلیل که آنها طرفدار مساوات و آزادی انسانها بوده‌اند. خوشبختانه اکنون بر همه انسانها معلوم شده است که آزادی موافق طبع انسان است و آنچه قبلاً بود غیر طبیعی بود.

میان دین و طبع هواپرست بشر، در خیلی از مسائل فاصله هست. ربا و شراب را دین تحریم می‌کند. اما بسیاری کسانیکه حاضر نیستند در برابر این تحریم تسلیم شوند. مسلماً روزی انسان به آن درجه از رشد و کمال می‌رسد که بدانند هیچک از دستورات دین بساطع سالم او مخالف نیست.

بهر حال، مخالفت با بردگی انسانها کار تازه‌ای نبود. پیامبران خدا از قرن‌ها پیش این مخالفت را آغاز کرده بودند. آنها برای هموار کردن راه آزادی بشر از قید هر نوع بردگی، همواره پیشقدم بوده‌اند. اسلام هم با رژیم بردگی مخالف بود. مخالفت اسلام دوجنبه داشت؛ یکی مخالفت با منابع بردگی و دیگر کوشش در راه تقلیل بردگان و فراهم کردن اسباب آزاد شدن آنان.

۱- ان كان ذوعسرة فنظرة الى ميسرة (بقره ۲۸۰)

۲- محمد آیه ۴

۳- مقصود از فدیہ، این است که آنها را با اسیران مسلمان معاوضه کنند یا از آنها پول بگیرند و آزادشان سازند. آیا کدام رژیم اجتماعی دارای چنین قانونی است که دستور دهد با اسیر، با احسان و بزرگواری رفتار شود؟ البته این مسأله با شرائط و اوضاع و احوال فرق میکند. مفسرین گفته‌اند: در صورتی که اسیر مسلمان شود، بدون هیچ قید و شرط آزاد می‌شود.

که در جامعه اسلامی جذب شده‌اند؛ فرصت رشد و آزادی بخشد. بهمین جهت است که در جامعه اسلامی بردگان به مقامات و مناصب عالی رسیده‌اند. کمتر جامعه‌ای می‌توان یافت که برای بردگان این همه احترام قائل شده و علاوه زمینه رشد و آزادی و ترقی و نفوذ و قدرت اجتماعی برای آنها فراهم کرده باشد.

نویسنده بزرگ کتاب «الإمام علی صوت العدالة الإنسانية» (صفحه ۱۱۴۵ به بعد از متن عربی و جلد ششم ترجمه فارسی صفحه ۱۴۶ به بعد) جمع کثیری از بردگان آزاد شده را که در ابعاد مختلف زندگی به مقامات عالی رسیده‌اند، نام می‌برد که خود دلیل بسیار روشنی است بر روش الهی و انسانی اسلام در تأمین مساوات و آزادی انسانها و رشد و ارتقاء فردی و اجتماعی ایشان.

اما اینست که چهره اسلام یکباره در پیم بردگی را ملغی نکرد و روش مبارزه و مقاومت تدریجی را پیش گرفت، خود داستان دیگری دارد:

مردمی که از دوره کوچکی، به زندگی طفیلی خو گرفته‌اند و چه بسا به سن پیری رسیده‌اند؛ هرگز میل آزاد شدن در سر ندارند. اینها تشنه آزادی نیستند تا شربت آن در کامشان خوشگوار افتد. پیرزنی که هیچگاه بزنگی مستقل عادت نکرده و خود قادر نیست مسؤولیت اداره زندگی شخصی را بر

هزار برده را برای رضای خدا آزاد کرد. (۱) اگر کسی روزه ماه رمضان را بدون عذر افاطار کند؛ یکی از کفاره‌هایی که بنحو تخییر واجب است؛ آزاد کردن يك بنده است. یکی از موارد صرف‌زکات، خریدن و آزاد کردن بندگان است.

بنده‌ای که پیشنهاد «مکاتبه»؛ یعنی پرداخت مبلغی بمالك و آزاد شدن در قبال آن را؛ می‌کند باید پیشنهاد او را پذیرفت. (۲).

مرد، مالك اصول و فروع خود و مالك زنانی که محرم او هستند نمی‌شود. زن؛ نیز مالك پدر و مادر و فرزندان خود نمی‌گردد.

منطلق اسلام چنین است: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ النَّفْسَ» (۳) پست‌ترین و بدترین مردم کسی است که کسی را مورد خرید و فروش قرار دهد.

کسی که مرتکب قتل غیر عمد شود. علاوه بر اینکه باید خونبهای مقتول را بپردازد؛ باید يك برده آزاد کند. کسی که با عهد و نذر و سوگند خود مخالفت کند باید برده آزاد کند بنده‌ای که بدست ولی جراحات بردارد؛ قهر آزادمی شود؛ کتبی که از مالك خود با دارد بشود، از سهم الارث فرزند خودش آزادمی گردد.

اینها نشان دهنده این است که اسلام با این مبارزه تدریجی و پیگیری خود از یکسو منابع بردگی را می‌خشکاند و از سوی دیگری می‌کوشد به بردگانی

۱- وسائل الشیعه جلد ۱۶ طبع جدید ص ۸ تا ۸

۲- فکاتوهم ان علمتم فیهم خیراً و آتوهم من مال الله الذی آتیکم (نور ۳۳) به درخواست کسانی که درخواست مکاتبه می‌کنند - اگر صلاحیت دارند - ترتیب اثر دهید و از مال خود به آنها کمک کنید.

۳- شرح لمعه معاملات مکروهه

بر قدرتها ؟ تنها يك راه برایشان وجود دارد که روشنفکران اسباب رشد ایشان را فراهم کنند تا آزاد شوند .

پس راه صحیح همان بود که اسلام بیمود. اسلام آنچنان زمینه را فراهم کرد که اگر برنامه‌هایش بطور همه‌جانبه اجراء می‌شد و حکومت امویان و عباسیان ، سد راه پیشرفت آن نمیگشت؛ از یکسو تمام قاره‌های کره زمین را فرا میگرفت و از دیگر سو مردم را آنچنان تربیت میکرد که برای آزادزیستن لیاقت پیدا کنند و با بردگی و بندگی بهر گونه و رنگی که باشد مبارزه نمایند.

در حقیقت این اسلام بود که با جذب قشر عقب افتاده‌ای بنام «غلام و کنیز» آنها را در قلمرو جامعه اسلامی با وضع تازه‌ای روبرو کرد و طعم دلنشین آزادی را به آنها چشاند و نه تنها به آنها آزادی بخشید بلکه به آنها شخصیت و ارزش و اعتبار بخشید. کافی است توجه کنیم که تنها «بلال سیاه‌چشمی» در نظام اجتماعی اسلامی چقدر عظمت پیدا میکند .

عهده‌گیرد؛ چگونه آزادیش کند ؟

بیرمردی که عمری را به بندگی گذرانده و هیچ جایی جز خانه مولی ندارد و نمیشناسد ؛ آزادیش کند و به کجایش بفرستند ؟

مگر نه هنگامی که بسکوشش انساندوستان در آمریکا نظام بردگی ملغی گردید . خود بردگان با پای خود بکارگاه‌ها و مزارع اربابان بازگشتند و بردگی را بر آزادی ترجیح دادند ؟

هر نوع زندگی ؛ تربیتی خاص لازم دارد برای آزادزیستن تربیت لازم است آنها تیکه نحوه تربیتشان طوری است که نمیتواند آزاد زندگی کنند چطور آزادی شوند؟ این خود نیاز برد و درایت کافی دارد همیشه افراد جوامع رشد یافته آزاد تر زندگی میکنند. بی‌رشد ها و کم‌رشد ها بنده و برده اند. در همین عصر ما که بردگی بصورت فردی ملغی شده است؛ ملت‌های کم‌رشد و فاقد کمال ، اسیرند و مملوک بگیرم بردگی امر و صورت فردی ندارد صورت اجتماعی دارد ! .

آیا سازمان ملل می‌تواند اینها را آزاد کند یا

## ضد یخ مورچه!

برای آنکه رادبا تور و سایل نقلیه در سرما یخ نزنند؛ ضد یخ می‌ریزند و این يك ابتکار جدید بشری است . ولی دکتر واسمیت» از دانشگاه «مینسوتا» پس از مطالعات طولانی به اثبات رساند که مورچه‌ها از هزاران سال پیش در زمستان ضد یخ تولید می‌کنند و از سرما محفوظ می‌مانند! ماده ضد یخ مورچه از ترکیبات گلیسرین است... «کتاب نشانه‌های ازاد»